

مقایسه متن صفحه ۴۳۷ کتاب «مصدق و نبرد قدرت در ایران» با متن صفحه اول کتاب محاکمات مهندس بازرگان و متن تراکت سوگ مصدق بزرگ

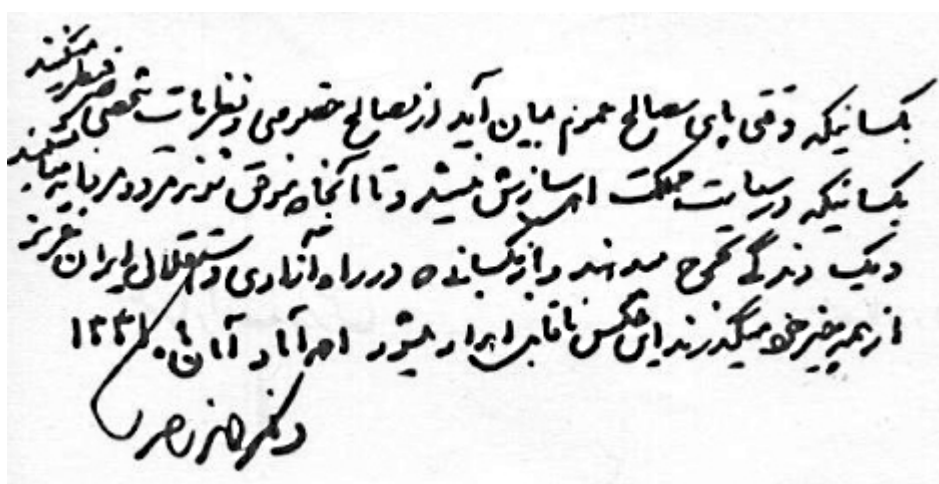
(مربوط به پانویس شماره ۲۰ - بخش پنجم نوشته ی دکتر منصور بیات زاده در نقد اظهارات و ادعاهای آقای دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان)

در صفحه ۴۳۷ کتاب «مصدق و نبرد قدرت در ایران»، آقای دکتر کاتوزیان متنی را بعنوان نوشته ای از دکتر مصدق، نقل کرده است باین مضمون:

«تقدیم به همه کسانی که وقتی پای مصالح عموم در میان باشد اختلاف های شخصی و منافع خصوصی را کنار می گذارند، به همه کسانی که در سیاست به سازش تن در نمی دهند و تا رسیدن به پیروزی از پای نمی نشینند و پایداری می کنند. به همه کسانی که حاضرند در راه آزادی و استقلال ایران همه چیز خود را فدا کنند. احمدآباد آبان ماه ۱۳۴۱ امضاء دکتر محمد مصدق».

و در صفحه ۴۵۷ همان کتاب در بخش پانوشتهای فصل هفدهم متذکر شده است که: « ۹ - این عکس و دستنوشته مصدق در کتاب مدافعات بازرگان به چاپ رسیده است.»

اما محتوی متنی که در زیر عکس مصدق در « کتاب مدافعات بازرگان به چاپ رسیده است»، و همچنین در تراکت کنفدراسیون که در رابطه با درگذشت دکتر مصدق انتشار پیدا کرده بود، با متن مورد استفاده دکتر کاتوزیان در صفحه ۴۳۷ کتاب «مصدق و نبرد قدرت در ایران»، فرق دارند.



بسیار که وقتی پای مصالح عموم میان آمد از مصالح خصوصی نظریات شخصی منفرجه
بسیار که در سیاست حکمت استوار نیست و تا آنجا که نفع نبرد در برابر سیاست
دیک درنگ نمی کند و از یک بنده در راه آزادی و استقلال ایران عزیز
از همه چیز خود میگذرند این عکس نامبردار میسر احمدآباد آبان ماه ۱۳۴۱
دکتر مصدق

مطالبی همچون «مرد و مردانه»، «ایران عزیز»، «از مصالح خصوصی و نظریات شخصی صرف نظر می کنند»، «عکس ناقابل» ... که در متن نوشته دکتر مصدق وجود داشته اند، در متن مورد استفاده آقای دکتر کاتوزیان وجود ندارند!

برای مقایسه، عکس صفحه ۴۳۷ و عکس صفحه اول کتاب محاکمات مهندس بازرگان و عکس تراکت کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در سوگ مصدق بزرگ را بترتیب کلیشه کرده ام، تا خوانندگان با چگونگی شیوه تاریخنگاری استاد دانشگاه آکسفورد - انگلیس تا حدودی آشنا شوند.

به نقل از کتاب مصدق و نبرد قدرت در ایران - بقلم دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان
تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسیالیستهای ایران - سوسیالیستهای مصدقی - آبانماه ۱۳۹۰

مصدق و جبهه ملی سوم • ۴۳۷

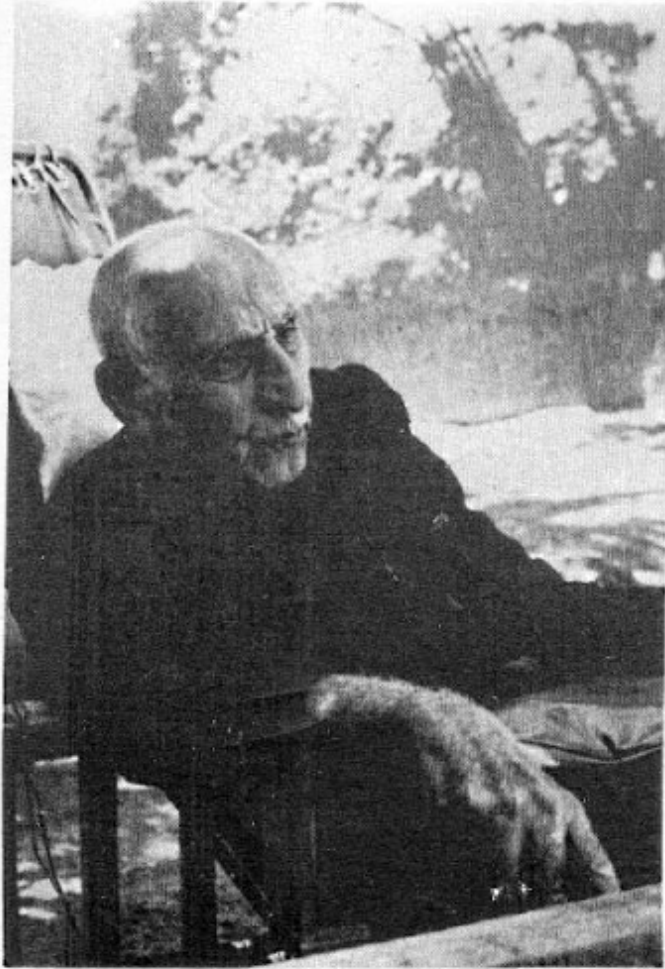
بود که، سران جبهه دو چهره شناخته شده را برای احراز پست نخست‌وزیری به شاه معرفی کنند تا او یکی را برگزیند. آنان ابوالقاسم نجم (نجم‌الملک) و محمد سروری را تعیین کردند. نجم مورد قبول شاه نبود بنابراین شاه به سروروی پیشنهاد پست نخست‌وزیری را داد (سروری در دولت مصدق رئیس دیوان عالی کشور بود). اما سروری از قبول پیشنهاد شاه سر باز زد.^۸ سران جبهه و علم بعد از این مرحله درصدد برپایی یک دولت ائتلاف برآمدند.

مصدق که در این هنگام به ماجراها پی برده بود در ذیل یکی از عکس‌های خویش این چنین نوشت:

«تقدیم به همه کسانی که وقتی پای مصالح عمومی در میان باشد اختلاف‌های شخصی و منافع خصوصی را کنار می‌گذارند، به همه کسانی که در سیاست به سازش تن در نمی‌دهند و تا رسیدن به پیروزی از پای نمی‌نشینند و پایداری می‌کنند. به همه کسانی که حاضرند در راه آزادی و استقلال ایران همه چیز خود را فدا کنند.»^۹

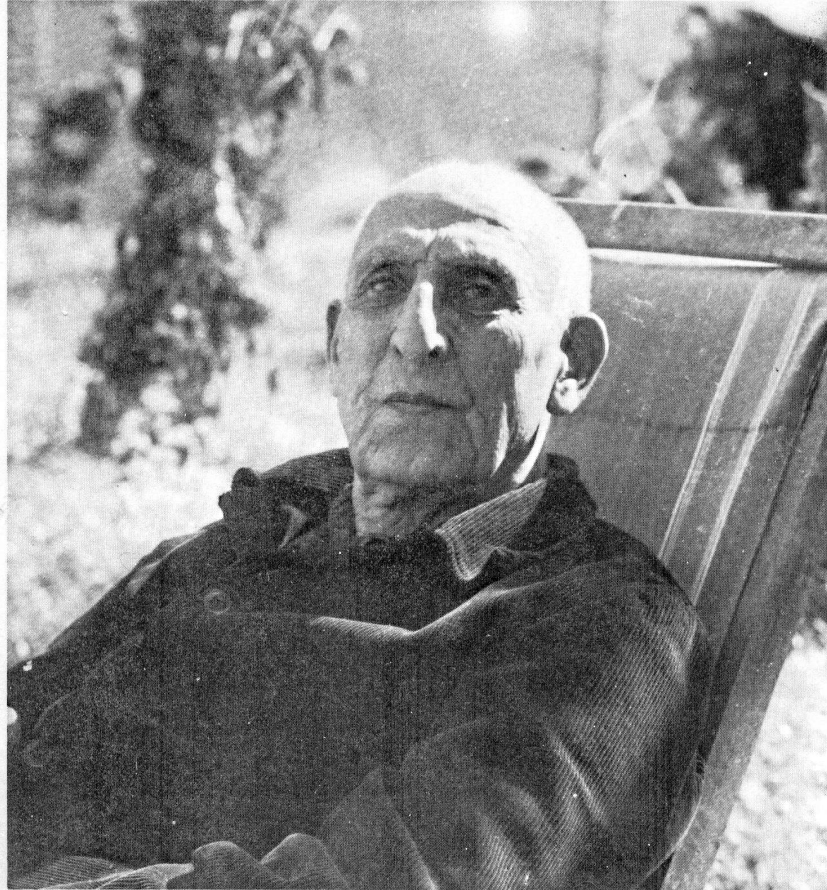
اللهیار صالح به محض دریافت عکس توسط حسن عنایت (که گاه نقش پیک را برعهده می‌گرفت)، رنگش پرید و پرسید: «معنی این حرف‌ها چیست؟ چه کسی سازش کرده است؟»^{۱۰} هریک از رهبران نهضت ملی نظیر همین عکس و نوشته را دریافت داشتند و بعد در تیراژ زیاد تکثیر و بین اعضای جبهه ملی توزیع شد. مذاکره با علم هم قطع گردید. البته این مذاکرات چندان مورد توجه نبود و نمی‌توانست باشد. واقعیت این بود که جبهه ملی برای سقوط دولت امینی هرچه در توان داشت انجام داد و این اقدام جبهه به جای آنکه نفعی برای نهضت داشته باشد، سودش عاید شاه شد. و حالا از این چشم انداز چنین به نظر می‌رسد که آنها حاضر بوده‌اند با شاه سازش کنند بی‌آنکه در راه هدف‌های

منبع: مدافعات مهندس مهدی بازرگان - انتشارات مدرس - مهرماه ۱۳۵۰
تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسیالیستهای ایران - سوسیالیست های طرفدار «راه مصدق» - آبانماه ۱۳۹۰



بماند که وقتی بای صالح عمزم میان آید از صالح خبر می نظرات شخصی می کنند
بماند که در سبب حاکم است از پیش نیست و تا آنجا که نوری نور مرد در با می ماند
دیک در که همچو مد بند و از یک بند در راه اناری در سبب لالی ایران عزیز
از همه چیز می کند زنده ای هکس تا تاب را بر میورد اما آرد آن ۱۳۴۱
دکتر هنرمند

منبع: تراکت کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در سوگ مصدق بزرگ - اسفند ماه ۱۳۴۵
تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسیالیستهای ایران - سوسیالیست های طرفدار «راه مصدق» - اسفند ۱۳۹۰



بماند که وقتی پای صالح محرم میان آید از صالح خدوسی نظریات نمی‌شنوند
بماند که در سیاست محکم است و با آنجا فروق نیز مرد در دنیا می‌ماند
دیک دنیا که هیچ سینه را از بند ه در راه آناری دستورات ایران
از همه چیز می‌گذرد این عکس تا قبل از این می‌تواند احمد آقا را نشان دهد
دکتر هژبر